

نگارش علمی، از انتخاب موضوع تا چاپ‌سپاری

• دکتر یزدان منصوریان^۱

عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم

علمی، به‌ویژه در مجلات معتبر، همواره یکی از دغدغه‌های اعضای هیأت علمی و پژوهشگران رشته‌های گوناگون بوده است. این دغدغه دو جنبه عمده دارد. یکی آنکه درباره چه بنویسیم و دیگر آنکه چگونه بنویسیم که آثارمان ارزش و اعتبار لازم برای انتشار داشته باشند. موضوع مقالات در هر رشته به عوامل مختلفی وابسته است، در هر حوزه ویژگی‌های خاص خود را دارد و بدیهی است که پرداختن به آن در یک اثر واحد میسر نیست. اما اینکه چگونه بنویسیم، مشکلی است که عمومیت بیشتری دارد و می‌توان دستورالعمل‌ها و رهنمودهایی تدوین کرد که برای بسیاری از افراد در رشته‌های مختلف مفید باشد. از طرفی نیز اغلب محققان تلاش می‌کنند که مهارت‌های خود را درباره انتشار آثارشان بهبود بخشند و در جست‌وجوی منابعی هستند که راهنمای آنان در این راه باشد.

حاصل این عرضه و تقاضا به رشد کتاب‌های آموزش مقاله‌نویسی در سال‌های اخیر منجر شده است. کارگاه‌های آموزشی^۲ فراوانی نیز در مراکز مختلف برای توسعه این مهارت‌ها برگزار می‌شود. خوشبختانه متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی نیز در این موضوع حضور نسبتاً فعالی داشته‌اند و این کتاب نمونه‌ای از این حضور است. بنابراین، تلاش نویسندگان اثر حاضر در گردآوری اطلاعاتی در این زمینه و توجه آنان به نیاز جامعه علمی کشور در این باره قابل تقدیر است.



■ حیاتی، زهیر؛ علیجانی، رحیم. نگارش مقاله، گزارش و سایر انتشارات علمی: از انتخاب موضوع تا چاپ‌سپاری، تهران: چاپار، ۱۳۸۶، ۲۴۰ ص. شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۷۹۰-۹۰-۱

مقدمه

شعار معروف «نویس و زنده بمان»^۲ تقریباً در همه جوامع علمی و دانشگاهی دنیا مطرح است. با این حال، همه کسانی که چه به دلیل علاقه شخصی و چه از سر اجبار برای بقا و ارتقا در محیط علمی می‌نویسند، خوب می‌دانند که تحقق این شعار کار دشواری است. به همین دلیل انتشار مقاله در مجلات



در مجموع، عنوان کتاب این ذهنیت را در خواننده ایجاد می‌کند که کتاب حاضر دستنامه‌ای برای نگارش مقاله و سایر انتشارات به‌شیوه علمی است

مشخصات کتاب

کتاب نگارش مقاله، گزارش و سایر انتشارات علمی: از انتخاب موضوع تا چاپ‌سپاری از هفده فصل تشکیل شده است. در فصل اول، «پیشینه نگارش علمی»، اطلاعات عمومی درباره تاریخچه نگارش و انواع مقالات ارائه می‌شود. خواننده در این فصل، به‌رغم عنوان اثر که نویدبخش «دستنامه علمی» برای نگارش «مقاله علمی» است، مجبور است که مطالب نظری و دایره‌المعارفی را در این‌باره مطالعه کند. به‌ویژه هنگامی که کتاب با این جمله کلیشه‌ای شروع می‌شود که «ابداع و رواج خط، پیدایش نوشته‌ها و محمل‌های جدید ارتباط فکری سرآغاز تمدن انسانی گردید»، خواننده خود را در مبدأ تاریخ نگارش می‌بیند و درمی‌یابد که تا نگارش مقاله علمی در قرن بیست‌ویکم هنوز راه زیادی در پیش دارد. اما از آنجا که این فصل به‌سرعت و پس از شش صفحه به پایان می‌رسد، این امید دوباره در او زنده می‌شود که در فصل‌های بعدی رهنمودهای عملی موردنیازش را خواهد یافت.

مؤلف در فصل چهارم، «انتخاب و محدودکردن موضوع»، و فصل پنجم، «پیکره مقاله پژوهشی»، مجدداً این نوید را به خواننده می‌دهد که قرار است راهکارهای عملی در این خصوص ارائه شود، اما این دو فصل با شتاب از این دو موضوع مهم و اساسی می‌گذرند و خواننده را با پرسش‌های فراوانی رها می‌کنند. تجربه شخصی نگارنده این‌سطور در برگزاری کارگاه‌های مقاله‌نویسی نشان می‌دهد که بسیاری از افراد در محدودکردن موضوع و چگونگی پیکره‌بندی مقالات علمی با پرسش‌های فراوانی مواجه هستند، مثلاً روش صحیح ارائه یافته‌ها و چگونگی برقراری پیوند میان بخش‌های مختلف مقاله برای رسیدن به حداکثر انسجام از پرسش‌های رایج آنان محسوب می‌شود. اما این دو فصل مختصر، پاسخ‌گوی بسیاری از این پرسش‌ها نیست. فصل ششم، «سایر بخش‌های مقاله»، یک‌بار دیگر خواننده را امیدوار می‌کند که پاسخ پرسش‌های بی‌پاسخ فصول گذشته خود را در این فصل خواهد یافت، اما این امیدواری نیز به‌دلیل خلاصه‌گویی نویسندگان به فرجام روشنی نمی‌رسد.

فصل دوم به مقدمات نگارش می‌پردازد و رویکرد کتاب کمی عملی‌تر می‌گردد و خواننده به ادامه مطالعه آن ترغیب می‌شود. در فصل سوم تقسیم‌بندی مختصر و شتابزده‌ای از انواع مجلات ارائه شده که اگر این معرفی با ارجاع خوانندگان به منابع بیشتری در این‌باره همراه بود، ارزش این فصل دو چندان می‌شد.

این فراز و نشیب در فصل‌های بعدی ادامه پیدا می‌کند تا اینکه خواننده به مفیدترین فصل‌های کتاب یعنی فصل سیزدهم، «فرآیند ارسال مقاله» و فصل چهاردهم، «داوری و راهکارهای عبور موفق از آن»، می‌رسد. این دو فصل به دو دلیل مفیدترین فصل‌های کتاب محسوب می‌شوند. دلیل

برای برقراری پیوند بیشتر بین عنوان و محتوای کتاب پیشنهاد می‌شود که رویکرد عملی کتاب در ویرایش بعدی پررنگ‌تر شود

نخست آنکه به مطالبی می‌پردازند که مورد نیاز خوانندگان است و دلیل دیگر آنکه در این دو فصل مطالبی ارائه شده که در منابع مشابه قبلی چندان مورد توجه نبوده است. در حالی که درباره بعضی از فصول کتاب مانند فصل نهم، «استناد و فهرست منابع»، و فصل دوازدهم، «آیین نقطه‌گذاری»، قبلاً آثار مستقل و مفصلی منتشر شده که نسبت به این دو فصل بسیار جامع‌تر بوده و مراجعه مستقیم به آنها برای خوانندگان مفیدتر خواهد بود. مثلاً درباره استناد کتاب شیوه‌های استناد در نگارش‌های علمی: رهنمودهای بین‌المللی نوشته دکتر حری و خانم شاهداغی^۴ اثر جامعی است که حتی در فهرست منابع کتاب حاضر به آن اشاره نشده است.

سرانجام خواننده به فصل پانزدهم می‌رسد و این درست همان زمانی است که او احساس می‌کند که دیگر کتاب برایش به پایان رسیده است. زیرا موضوع سه فصل پایانی کتاب خارج از حوزه مورد بررسی آن است. البته فصل پانزدهم برای داوران نوشته شده است و شاید روزی برای خواننده در نقش داور مفید باشد، اما فصل شانزدهم، «اینترنت، وب و جست‌وجو در آن»، تقریباً خارج از بحث کتاب است و فصل هفدهم، «پایگاه‌ها و میزبان‌های اطلاعاتی»، همچنان از موضوع کتاب دور و دورتر می‌شود.

در مجموع همان‌طور که ذکر شد، عنوان کتاب این ذهنیت را در خواننده ایجاد می‌کند که کتاب حاضر دستنامه‌ای برای نگارش مقاله و سایر انتشارات به‌شیوه علمی است. البته بخش‌هایی از کتاب با این پیش‌فرض همخوانی دارد، اما ساختار آن به‌گونه‌ای نیست که نقش یک دستنامه را با این هدف به‌خوبی ایفا کند. برای نزدیک‌شدن محتوا و عنوان کتاب می‌توان پیشنهادهایی برای ویرایش بعدی این اثر مطرح کرد که در ادامه بدان‌ها اشاره می‌شود.

پیشنهادهایی به نویسندگان

بی‌تردید نویسندگان این کتاب می‌توانند نکاتی را در ویرایش بعدی لحاظ کنند که در اینجا به چند مورد پیشنهاد می‌شود:

۱. فصل اول کتاب را می‌توان به راحتی حذف کرد، بدون آنکه آسیبی به محتوای کتاب وارد شود. اگر نیاز خواننده را در نظر بگیریم، فصل اول که فقط شش صفحه است و اطلاعاتی عمومی درباره تاریخ چاپ ارائه می‌دهد، برای او که درصدد یادگیری فنون نگارش علمی در این روزگار است، هیچ اهمیتی نخواهد داشت.

۲. برای برقراری پیوند بیشتر بین عنوان و محتوای کتاب پیشنهاد می‌شود که رویکرد عملی کتاب در ویرایش بعدی پررنگ‌تر شود. با توجه به عنوان کتاب انتظار می‌رود که این اثر ساختاری دستنامه‌ای داشته باشد. خواننده می‌خواهد خیلی سریع و فهرستوار نویسنده کتاب به او بگوید که چگونه بنویسد که مقاله‌اش ساختار علمی داشته باشد و چه عناصری در این ساختار باید مورد توجه قرارگیرد.

۳. به نظر می‌رسد که این کتاب می‌توانست در فصل چهاردهم به پایان برسد، زیرا ارتباط روشنی بین سه فصل پایانی کتاب با هدف و محتوای آن وجود ندارد. از این‌رو می‌توان در ویرایش بعدی سه فصل پایانی کتاب را کنار گذاشت، چراکه مطالب مطرح‌شده در این فصول ارتباط روشنی با موضوع کتاب ندارند. برای نمونه فصل پانزدهم نه برای نویسندگان که برای داوران نوشته شده است که البته در مقایسه با دو فصل پایانی هنوز به موضوع کتاب نسبتاً نزدیک است. اما در فصل شانزدهم با معرفی اینترنت و روش‌های جست‌وجو عملاً نویسندگان خیلی از موضوع کتاب دور شده و به حوزه‌ای پرداخته‌اند که عملاً هیچ ربطی به رویکرد کلی اثر ندارد. مثلاً در صفحه ۱۷۰ اطلاعاتی درباره ظهور شبکه وب و اینکه تیم برنرزی در سال ۱۹۹۱ آن را ابداع کرده و

در سال ۱۹۹۳ موزائیک نخستین مرورگر تصویری بوده، ارائه شده که خارج از موضوع کتاب است.

۴. پیوست‌های کتاب مانند پیوست ۲ و ۳ (ص ۲۱۵ - ۲۲۷) فقط به ارائه‌گزیده‌ای از اطلاعاتی اختصاص دارند که به‌سرعت کهنه خواهند شد و ضرورتی برای چاپ آن در این کتاب دیده نمی‌شود. مثلاً فهرست مجلات با رتبه علمی و پژوهشی فهرستی است که مرتب تغییر می‌کند و چاپ آن در اینجا لزومی ندارد.

۵. آثار مفید فراوانی درباره موضوع کتاب به زبان فارسی چاپ شده است که بهتر است در ویرایش بعدی مورد توجه قرار گیرند. برای مثال درباره روش‌های استناددهی صحیح که بسیار موردنیاز نویسندگان است، کتاب‌های جامع و مفیدی در بازار کتاب کشور یافت می‌شود. اثر مشترک خانم شاه‌داغی و دکتر عباس حری که پیش از این بدان اشاره شد، یکی از این نمونه‌هاست.

۶. فصل پنجم، «بیکره مقاله پژوهشی»، که شاید بتوان آن را یکی از مهم‌ترین فصول کتاب تلقی کرد، فقط پنج صفحه است و اختصار بیش از اندازه و عدم ارائه رهنمودهای عملی به سودمندی کتاب آسیب می‌زند. چگونگی بیکره‌بندی مقاله پژوهشی و مؤلفه‌های آن از مهم‌ترین نیازهای خوانندگان کتاب است، اما این فصل مختصر پاسخ‌گوی این نیاز نیست. از این‌رو به‌نظر می‌رسد که در ویرایش بعدی کتاب این فصل باید خیلی مفصل‌تر و جامع‌تر باشد.

۷. جای فصل جداگانه‌ای درباره «چگونگی تدوین پیشینه پژوهش» در کتاب خالی است که می‌تواند در ویرایش بعدی افزوده شود. خوشبختانه آثار مفیدی در زبان فارسی در این باره منتشر شده‌اند که می‌تواند برای نویسندگان مفید باشد. از آن جمله به راهنمای نگارش مرور نوشتارها و پیشینه پژوهش اثر مشترک دکتر پریخ و دکتر فتاحی می‌توان اشاره کرد.

نتیجه

کتاب نگارش مقاله، گزارش و سایر انتشارات علمی: از انتخاب موضوع تا چاپ‌سپاری تلاشی برای اشاعه مهارت‌های نگارش علمی است. از این‌رو می‌تواند در کنار سایر منابع موجود در این زمینه مورد استفاده همه کسانی قرارگیرد که درصدد انتشار مقاله علمی هستند، اما تجربه کافی در این باره ندارند. علاوه بر این، همان‌طور که در پیشگفتار نیز ذکر شده است، کتاب می‌تواند در کنار منابع موجود برای درس نگارش نویسی مورد استفاده دانشجویان کتابداری و اطلاع‌رسانی قرارگیرد. البته امید است که در ویرایش بعدی این اثر بر جنبه‌های کاربردی آن افزوده و از پرداختن به موضوعات غیرمرتبط با بحث مقاله‌نویسی کاسته شود تا برای خوانندگان مفیدتر باشد.

پی‌نوشت‌ها:

1. y.mansourian@gmail.com
2. Publish or Perish
3. Workshop
۴. حری، عباس و اعظم شاه‌داغی (۱۳۸۵). شیوه‌های استناد در نگارش‌های علمی: رهنمودهای بین‌المللی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
5. Literature Review

مآخذ

۱. پریخ، مه‌ری و رحمت‌الله فتاحی (۱۳۸۴). راهنمای نگارش مرور نوشتارها و پیشینه پژوهش، تهران: کتابدار.
۲. حری، عباس (۱۳۸۵). آیین نگارش علمی، تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور.

جای فصل جداگانه‌ای درباره «چگونگی تدوین پیشینه پژوهش» در کتاب خالی است که می‌تواند در ویرایش بعدی افزوده شود